

تاریخ اندیشه فلسفی چین



通志 卷之九

سرشناسه: ون، های مینگ
عنوان و نام پدیدآور: تاریخ اندیشه فلسفی چین/ ون های مینگ؛ ترجمه امین بذرافشان.
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۱۶۷ ص: مصور.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۴۲۵-۵
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
موضوع: فلسفه چینی
Philosophy, Chinese: موضوع
شناسه افزوده: بذرافشان، امین، ۱۳۶۲، مترجم
رده‌بندی کنگره: B۱۲۶
رده‌بندی دیویی: ۱۸۱/۱۱
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۷۷۸۴۵۱

تاریخ اندیشه فلسفی چین

ون های مینگ
ترجمه امین بذرافشان



این کتاب ترجمه‌ای است از:

温海明 著
中国哲学思想

© China Intercontinental Press, 2022

© Wen Haiming

© حق چاپ فارسی این کتاب را چاینا اینتر کنتیننرال پرس
به انتشارات ققنوس واگذار کرده است.
تمام حقوق محفوظ است.



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۶۶ ۴۰ ۸۶ ۴۰

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس

ون های مینگ

تاریخ اندیشه فلسفی چین

ترجمه امین بذرافشان

چاپ اول

۷۷۰ نسخه

۱۴۰۱

چاپ پارمیدا

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۴۲۵-۵

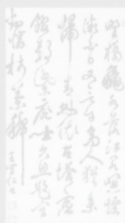
ISBN: 978-622-04-0425-5

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

فهرست

- ۷ مقدمه
- ۹ دیباچه: جذابیت ویژه فلسفه چین
- ۱۵ آغازگاه فلسفه چینی: تغییرات
- ۱۶ کتابی ژرف و رمزآلود
- ۱۹ از غایت نهایی تا هشت‌نشانه
- ۲۲ افسون فلسفه تغییرات
- ۲۷ فلسفه سیاسی در فلسفه چین: نظریه‌پردازی فلاسفه دوره ماقبل چین در مورد آدمی و اجتماع
- ۲۸ کنفوسیوس: وظیفه‌شناسی اساس انسانیت
- ۳۷ منسیوس: حکمرانی با انسانیت
- ۴۳ لائوتسه: طریقت بزرگ مانند آب است
- ۵۱ جوانگزه: فیلسوف رها و لطیف
- ۵۹ اندیشه موزه و دیگر متفکران ماقبل چین
- ۶۲ تئوری‌های سیاسی شونزه
- ۶۴ هان‌فی، هنر رهبری
- ۶۶ سون وو، هنر رزم
- ۷۱ مابعدالطبیعه در فلسفه چین: دیدگاه فلاسفه در دوره دودمان‌های هان و تانگ درباره جهان
- ۷۲ دیدگاه‌های مربوط به کون و مکان در دوره دودمان هان
- ۸۰ نوطریقت‌گرایی (مابعدالطبیعه) دودمان‌های وی و جین، در باب وجود و لاوجود
- ۹۰ آیین بودا در دوران سویی و تانگ: جهان خلأ است
- ۱۰۳ مکتب چن: فهم بالاترین درجه کیاست در هنگام لیخند
- ۱۰۹ معرفت‌شناسی فلسفه چین: چگونگی شناخت جهان از سوی نوشریعت‌گرایان در دوران سونگ و مینگ
- ۱۱۰ از هان یو تا جانگ زی
- ۱۱۹ برادران چنگ و طریقت‌گرایی
- ۱۲۴ جوشی: حفظ اصول آسمانی، محو امیال انسانی
- ۱۳۰ لوجیو یون: بدون قلب، کون و مکان وجود ندارند



وانگ یانگ‌مینگ، فیلسوفی که می‌توانست بجنگد و فرماندهی کند..... ۱۳۳

نوآوری و اصول‌گرایی در فلسفه چین: از دوران مینگ و چینگ تا دوره معاصر..... ۱۳۹

سه فیلسوف بزرگ دوران مینگ و چینگ..... ۱۴۰

فلسفه معاصر چین: پاسخ به فلسفه غرب..... ۱۴۶

فلسفه مدرن چین: نو‌شریعت‌گرایی و فلسفه تطبیقی چین و غرب..... ۱۵۱

هو شی و فینگ یوکن: ایجاد نظام تاریخ فلسفه چین..... ۱۵۲

شیونگ شی‌لی و نو‌شریعت‌گرایی..... ۱۵۵

فلسفه تطبیقی چین و غرب در دوره معاصر..... ۱۶۰

پیوست: جدول تطبیقی رویدادهای مهم فلسفه چین و غرب..... ۱۶۳

گاهشمار سلسله‌های چین..... ۱۶۷



مقدمه

در این کتاب به معرفی اندیشه‌های فلسفی چین از دوره ماقبل دودمان چین تا عصر حاضر پرداخته می‌شود، خط سیر این کتاب را دگرگونی‌های تفکر فلسفی در چین شکل می‌دهد و ویژگی‌های مهم مکاتب فلسفی چین در هر دوره تاریخی معرفی می‌شود. مؤلف در این کتاب با بهره‌گیری از تقسیم‌بندی‌های غربی، وجوه گوناگون فلسفه چین را خلاصه کرده است، مثلاً فلسفه سیاسی در دوره ماقبل چین،^۱ مابعدالطبیعه در دوران هان و تانگ، معرفت‌شناسی در دوران سونگ، مینگ و غیره. نویسنده تلاش کرده است در این کتاب فیلسوف‌ها و اندیشه‌های فلسفی هر دوره را به طور ساده و مختصر معرفی کند.

ون‌های‌مینگ در سال ۲۰۰۶ دکترای فلسفه تطبیقی خود را از دانشگاه هاوایی گرفت. وی اکنون استادتمام دانشکده فلسفه دانشگاه خلق چین است، وی در دانشگاه به زبان‌های چینی و انگلیسی به تدریس فلسفه چین و فلسفه تطبیقی می‌پردازد. او همچنین دستیار ریاست پژوهشگاه فلسفه چین و فلسفه تطبیقی، رئیس دفتر امور بین‌الملل دانشکده و سردبیر مجموعه کتب فلسفه جهان است. وی مقالات علمی و پژوهشی زیادی در مجلات داخلی و خارجی به چاپ رسانده است. او همچنین عضو انجمن فلسفی آمریکا (APA)، انجمن علمی فلسفه چین در آمریکای شمالی (ACPA)، انجمن بین‌المللی فلسفه چین (ISCP) و انجمن بین‌المللی فلسفه تطبیقی

۱. دوره ماقبل چین به بازه زمانی قبل از ۲۲۱ ق.م اشاره دارد. (تمام پانوشتهای کتاب از مترجم است.)

تاریخ اندیشه فلسفی چین

چین و غرب (ISCWP) است. همچنین از او برای حضور در بیش از بیست گردهمایی بین‌المللی در ایالات متحده، هنگ‌کنگ، تایوان و چین دعوت شده است. کتاب او با عنوان *فلسفه عملی کنفوسیوس به مثابه هنر تجسم تجربه شخصی و جهان* در سال ۲۰۰۹ منتشر شد.

دیباچه: جذابیت ویژه فلسفه چین

مسائل مورد توجه فلاسفه در شرق و غرب عالم عمدتاً یکی است. مثلاً، رابطه انسان و جهان مسئله‌ای است که هم فیلسوفان شرق و هم فیلسوفان غرب به آن پرداخته‌اند: من کیستم؟ چرا چنین زندگی می‌کنم؟ کجا هستیم؟ فلاسفه غربی به این مسائل اساسی بسیار اهمیت می‌دهند، البته این مسائل سؤالات پایه‌ای فلسفه چین نیز هستند. فیلسوفان چینی در پاسخ به این سؤالات اساسی فلسفه حکمت فلسفی منحصر به فرد خود را شکل دادند. این نوع از معرفت فلسفی حاصل توافق متفکران چینی طی دوره‌های متمادی است. برای فهم اندیشه فلسفی چین ابتدا باید این نگرش و بینش فلسفی آن را درک کرد. هنگامی که بصیرت فزاینده فلسفی چین را درک کنیم، می‌توانیم جذابیت منحصر به فرد آن را کشف کنیم. نقطه ورود به این کتاب نیز فهم معنای معرفت فلسفه چین است. در برابر مسئله رابطه انسان و جهان شیوه پاسخگویی و ویژگی پاسخ فلاسفه چینی چیست؟ متفاوت با تصور عام از فلسفه غرب، فلاسفه چین باستان اغلب مایل به بحث درباره رابطه آدمی و آسمان^۱ و اندیشیدن در مورد معنای زندگی آدمی در جهان بودند. از زاویه دید فیلسوف چینی، آدمی از بدو تولد سرگشتگی‌های گوناگونی در مورد

۱. Tian، یکی از مفاهیم اصلی فلسفه چین است که در مکاتب و دوره‌های مختلف معانی متفاوتی همچون آسمان، پروردگار، طبیعت، قضا و قدر الهی دارد.

道

زندگی و جهان دارد. به بیان فلسفی، شناخت ما از «طریقت»^۱ ناقص است. معنی اصلی طریقت راه و مسیر است، راهی که آدمی آن را می‌پیماید. به همین علت می‌توان از آن برای اشاره به مسیر ترقی استفاده کرد. فلاسفه چینی اعتقاد دارند که ناآگاهی آدمی از مسیر توسعه زندگی از ناآگاهی او از ذات خویشتن

طریقت در فلسفه چین مفهوم بسیار سرچشمه می‌گیرد. در فلسفه چینی، بحث درباره ذات و مسیر توسعه آدمی — طریقت مهمی است.

— جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده است. فلاسفه سنتی چین می‌خواهند آدمی تا حد ممکن مسیر زندگی را که فقط یک بار فرصت پیمایش آن را دارد بهتر پیماید.

مؤلف در این کتاب با تمرکز بر حکمت‌های فلسفی هر کدام از مکاتب فلسفی چین، ویژگی‌های آن را در دوره‌های مختلف معرفی می‌کند تا خواننده هم شمایی کلی از توسعه اندیشه و فلسفه در چین را درک کند و هم روند توسعه و تغییر معرفت فلسفی چینی را بفهمد. برای شناخت فلسفه چینی کتاب تغییرات یکی از مهم‌ترین آثاری است که باید به آن اشاره کرد. این کتاب در دوره ماقبل چین به نگارش درآمده و می‌توان گفت سرچشمه اندیشه فلسفی چین باستان است. کتاب تغییرات با الهام از سیر تغییرات زمین و آسمان، این دگرگونی‌ها را برای هدایت امور آدمی به کار برده است. این طرز فکر عمیقاً اندیشه فلسفی چین را تحت تأثیر قرار داد، تا جایی که لایه‌های مختلف اندیشه فلسفی چین را می‌توان در میان نظام فلسفی کتاب تغییرات مشاهده کرد.

۱. Dao، یکی دیگر از مفاهیم اصلی در اندیشه و فلسفه چینی است، که در ترجمه‌های معتبر به مسیر، طریقت، اصول، دانو یا تائو نیز برگردان شده است.

دیباچه: جذابیت ویژه فلسفه چین

اندیشمندان دوره ماقبل چین با آثارشان شالوده گفتمان فلسفی چین را پایه گذاری کردند. اندیشه آنان به ابعادی از فلسفه چین که تمرکزش بر مسائل اجتماعی است تسری پیدا کرد. کنفوسیوس (کونگ زی)^۱ و منسیوس (منگ زی)، در مقام نمایندگان شریعت گرایی^۲، فلسفه سیاسی خاص چین را پایه گذاری کردند. گفتمان وظیفه شناسی اساس انسانیت که کنفوسیوس مطرح کرده باعث برانگیخته شدن اختلاف نظرهایی در مورد نظریات و اجرای فلسفه سیاسی شد. پس از او منسیوس با طرح حکمرانی با انسانیت بنیان گذار مفهوم انسانیت^۳ در فلسفه سیاسی شریعت گرا شد.

دیگر فلاسفه و متفکران دوره ماقبل چین نیز از زوایای گوناگون نظرهای خود را در مورد مسائل مورد توجه کنفوسیوس در فلسفه سیاسی چینی ارائه داده بودند. لائوتسه^۴ معتقد بود که در فلسفه بنیادین کشورداری باید آب را الگو قرار داد. او همچنین در مورد امکان تحقق طریقت و مقصود از آن مباحثی مطرح کرده است. جوانگزه با بیانی شاعرانه بر آن بود تا همه انسانها خویشان خویش را فراموش کنند و هرچه زودتر به مقام فراغت بال برسند. فلسفه طریقت اساساً فلسفه‌ای نظری است و می‌تواند مرجعی برای زندگی و آرامش فردی افراد نیز باشد. در متون فضایل بزرگان، اعتدال و چهار فصل از کتاب گوئنزه

۱. Kong، نام خانوادگی و Zi پسوندی است که به منظور احترام در چین باستان به کار می‌رفت.
۲. Ru، بیشتر به مکتب کنفوسیوس برگردان شده است. با وجود این که این مکتب با نام وی شناخته می‌شود، استفاده از این اصطلاح باعث از بین رفتن بخش زیادی از محتوا و غنای فکری آن می‌شود. به واقع نویسه 儒 به طبقه‌ای فرمانبردار در دودمان‌های ابتدایی تاریخ چین اشاره دارد که در انجام مراسمات به‌ویژه مراسم دفن مردگان با آداب و رسوم ویژه آن اشاره دارد، یعنی شعاعی آن قبل از کنفوسیوس نیز وجود داشته است.
۳. Ren، یکی دیگر از مفاهیم اساسی فلسفه چینی است که در متون مختلف به عشق، مروت، انسانیت و مهربانی ترجمه شده است.
۴. Laozi، فیلسوف شهیر چینی که بنیان‌گذار طریقت‌گرایی است، و در متون امروزی به نام لائوزه یا لاوزه هم مشهور است.

شیوه‌های خودسازی در مسیر زندگی بیان می‌شود. در این کتاب‌ها به صورت جدی در مورد چگونگی خودسازی آدمی و تأثیر آن بر آدمی و جامعه بحث می‌شود.

فلاسفه ماقبل چین در باب نظریه‌های عملی فلسفه سیاسی بحث‌های پرمحتوایی داشتند، این بحث‌ها تقریباً دربرگیرنده تمامی لایه‌های منازعات سیاسی، از محکومیت جنگ تا لزوم جنگ است. مثلاً منسیوس با محکومیت جنگ، مهر فراگیر^۱ را مطرح کرد و اعتقاد داشت مهر فراگیر راه خروج از هرج و مرج است. شونزه اعتقاد داشت ذات آدمی شر است و باید با آموزش سلوک، آداب و موسیقی آن را تغییر داد. هان فی، پایه‌گذار مکتب قانون‌گرایی، اعتقاد داشت پادشاه باید با تکیه بر هژمون، قانون و هنر رهبری کشورداری کند. اما نظریات مکتب نظامی‌گری^۲، که درباره اعمال سیاست و جنگ نظامی است، در تمام کشمکش‌های سیاسی چین رسوخ کرد.

در دوره دودمان هان تا تانگ چین به شکوفایی و رونق رسید و در عین حال تفکرات انتزاعی چینیان درباره جهان نیز به اوج خود رسید. نظریه کون و مکان در دوره هان، نوطریقت‌گرایی^۳ در دوره دودمان‌های وی و جین، آیین بودا در دوران سویی و تانگ بروز بالاترین سطح اندیشه انتزاعی چینیان درباره جهان را نمایان می‌کند. دیدگاه دوره هان در مورد کون و مکان حداقل پنج بُعد داشت: ترسیم عددی و تصویری از کون و مکان که حاصل تلفیق نظریه پنج عنصر و تاریکی و روشنایی^۴ توسط

۱. اصل مساوات در عشق‌ورزی به تمام انسان‌ها؛ در عشق ورزیدن نباید قایل به تمیز خویش و بیگانه، پیر و جوان بود.

۲. از مکاتب دوره ماقبل چین که به تحقیق در نظریات و فعالیت‌های نظامی معطوف بود، و سپس به عنوان بیانیه‌ای کلی برای نظامیان تبدیل شد.

۳. گرایش فلسفی در دوره دودمان‌های وی و جین که در ستایش اندیشه‌های لائوتسه و جوانگزه بود و به مسائل مابعدالطبیعه و علوم غریبه می‌پرداخت، به همین جهت با نام‌های دانوئیسم و ماوراءالطبیعه وی و جین نیز معروف است.

۴. گفتمانی که در دوره دولت‌های جنگ‌طلب بر پایه نظریات تاریکی و روشنی و پنج عنصر شکل گرفت.

دیباچه: جذابیت ویژه فلسفه چین

شریعت‌گرایان و ساحران در دوره ماقبل چین بود؛ دونگ جُنْگ‌شو به جهان تجسمی انسانی بخشید و گفتمان تأثیر متقابل آدمی و آسمان را پی‌ریزی کرد. طریقت‌گرایی نظام دگرگونی‌های کون و مکان را توضیح داد و از این طریق نظام فلسفی-مذهبی ویژه چین را شکل داد. کتاب جامع مباحثات تالار پیر سفید کون و مکان را اخلاقی فرض کرده و اندیشه‌های سه محور و شش رابطه را مطرح کرد که مؤید نظام منحصر به فرد اخلاق اجتماعی چین است. اما هنگ‌تن و وانگ چونگ کون و مکان را ذاتی تعریف کردند که به رابطه بین کون و مکان و ذات آدمی اشاره دارد.

مسئله محوری نوطریقت‌گرایی وجود و عدم بود که وانگ بی، پی‌وی، گوا شیانگ و دیگر فلاسفه دیدگاه‌های عمیق خود را در این مورد ارائه دادند. همچنین مسئله اساسی بودیسم چینی در دوره سویی و تانگ خلا بود. مثلاً، مکتب هوا یِن انسجام اصل و نمود را مطرح کرد که مبین اوج اندیشه انتزاعی فلسفه باستانی چین در مورد جهان است. فلاسفه دوران سونگ و مینگ به چیستی جهان توجه داشتند، که البته این توجه بیشتر معطوف به چگونگی شناخت آدمی از جهان بود. نوشریعت‌گرایی^۱ در دوره سونگ و مینگ نظریات معرفتی خاص چین را شکل داد. «خویش را بنگر و بودا شو» در مکتب چن در اندیشه لی‌او برای پی‌ریزی طرح گفتمان «بازگشت به فطرت» تأثیر گذاشت. جُو دونئی، شاو یونگ، جانگ زی، چنگ‌هاو، چنگ‌ئی نیز هر کدام

۱. در منابع لاتین بیشتر به نوکنفوسیوسی برگردان شده است. در حقیقت، این اصطلاح به جنبش‌های فکری‌ای اطلاق می‌شود که بر پایه آموزه‌های شریعت‌گرایی در دوران سونگ و مینگ است که 道學 نیز خوانده می‌شود، تأثیرات آن بر جامعه چین هم اکنون نیز قابل مشاهده است. اوج رواج این جنبش فکری به میانه‌های دوران چینگ می‌رسد، اما پس از آن رو به زوال گذاشت. نام نوشریعت‌گرایی بدین جهت بر آن نهاده شد که خوانش جدیدی از شریعت‌گرایی در چین نسبت به دوره ماقبل چین ارائه داد. در دوره ماقبل چین، بیشتر بر جملات و واژگان و صحت و سقم متون تأکید می‌شد، اما در نوشریعت‌گرایی به مسائلی معنایی‌تر مانند سرنوشت و سرشت و غیره توجه شده است. در حقیقت چنانچه بخواهیم برگردان واژگانی از آن داشته باشیم، احتمالاً دلیل‌شناسی انتخاب درستی خواهد بود. در نگاه کلی به هر اندیشه‌ای که به رابطه میان طریقت آسمان (رابطه بین خیر و شر، سعادت و شقاوت با عوارض آسمانی از جمله نجوم و هیئت و آب و هوا) و ذات و سرنوشت می‌پردازد.

از دیدگاه خود باعث توسعه نوشریعت‌گرایی شدند. جوشی معمار اندیشه نوشریعت‌گرایی است. لو جیویون «قلب» و «کون و مکان» را با هم ترکیب می‌کند، وانگ یانگ‌مینگ گفتمان وی را ادامه می‌دهد و «تهی بودن خارج قلب» را طرح می‌کند. نوشریعت‌گرایی در دوران سونگ و مینگ ارائه‌دهنده نظریه‌های فلسفی جامعی در مورد چیستی معرفت بود که دقت بی‌سابقه‌ای در آن به کار رفته بود.

سه اندیشمند بزرگ به نام‌های هوانگ زونگ‌شی، فانگ ئی جی و وانگ فوجی، در دوره مینگ و چینگ، مسیر فلسفه چین را با تمام توان خود حفظ کردند؛ در عین حال که آن‌ها مقصود منحصر به فرد و خاص فلسفه چین باستان را تا سرحد امکان به حوزه نظری سوق دادند.

در روزگار معاصر، فلسفه چینی در پس‌زمینه گفتمان چین و غرب نوآوری‌های متعددی را رقم زده است. شایان ذکر است که معرفت فلسفی چین در گستره دیدگاه تطبیقی چین و غرب گسترش یافت. هوشی و فنگ یولن با اتخاذ رویکردی غربی، داده‌های تاریخی فلسفه چین را دسته‌بندی کردند. سپس شیونگ شی لی نوآورانه‌ترین نظام فلسفی چینی را پس از آغاز گفتگو میان فلسفه چین و غرب پدید آورد. آثار این فیلسوفان بر سیر فلسفه نوین چین که آمیزه‌ای از فلسفه چینی و غربی است تأثیرگذار بوده است.

در یک کلام، گیرایی منحصر به فرد فلسفه چینی در معرفت فلسفی آن نهفته است، معرفتی که حاصل گرامی داشتن و شناساندن مستمر آن توسط فلاسفه چینی در طول تاریخ است. با وجود این‌که این معرفت فلسفی نزد فلاسفه و دوره‌های گوناگون متفاوت بوده است، مجموع آن نظرات زیربنایی فلاسفه در دوره‌های گوناگون درباره کون و مکان و زندگی آدمی است. دقت در درک حکمت ظریف فلاسفه چینی درباره زیست آدمی و جهان به افزایش فهم خواننده از زندگی و رویارویی بهتر با تغییرات جهان کمک می‌کند. و در نهایت باعث ارتقای ارزش‌های زندگی می‌شود.

آغاز گاه فلسفهٔ چینی

تغییرات

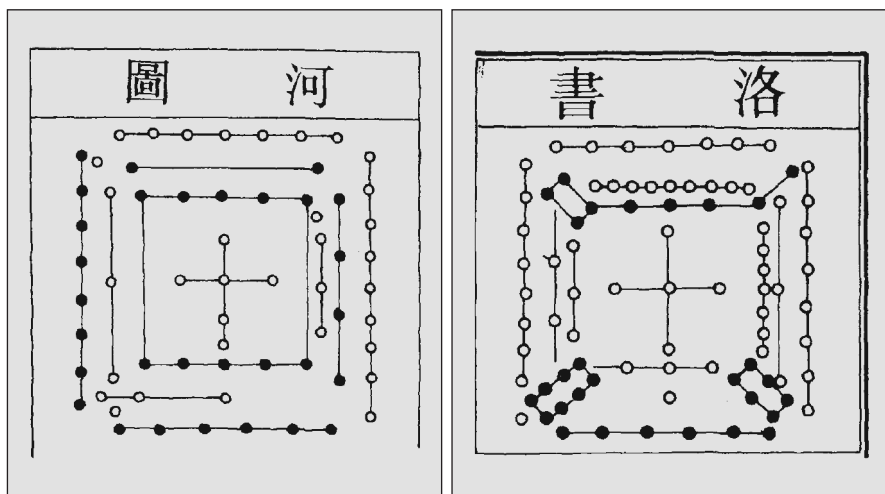
کتاب **تغییرات سرچشمهٔ جوشان فلسفهٔ چین** است. همهٔ ابعاد فلسفهٔ سنتی چین از **تغییرات سرچشمه** می‌گیرد. می‌توان گفت این اثر معرفت فلسفی خاص چین را شکل داده است؛ یا به بیانی دیگر، ویژگی متمایز و جایگاه معنایی مختص به فلسفهٔ چینی از شیوهٔ اندیشه‌ورزی ویژهٔ **تغییرات** آغاز شده است.

تغییرات آشکارکنندهٔ شیوهٔ تغییرات زمین و آسمان است. نویسندهٔ آن بر پایهٔ مشاهدات طولانی و باریک‌بینانه، با به‌کارگیری تصاویر و نشانه‌ها، تغییرات همهٔ اشیای کون و مکان را شبیه‌سازی کرده است؛ همچنین از تأویل «طریقت آسمان»^۱ برای (بیان) منطق ادارهٔ رخدادهای زندگی آدمی الهام می‌گیرد.

۱. یکی از مفاهیم اصلی فلسفهٔ چین که در برابر طریقت انسان بیان می‌شود. این مفهوم در اصل مفهومی دوگانه است که با الهام از پدیده‌های آسمانی به تأویل خیر یا شر، شقاوت یا سعادت امور دنیوی انسان اشاره دارد.

کتابی ژرف و رمزآلود

تغییرات کتابی در مورد دگرگونی و چرخش هاست. نام چینی این کتاب جوئی است، که «ئی» سه معنی دارد: دگرگونی، بی‌تغییری، سادگی. دگرگونی به تغییر ابدی اشیا و رویدادها اشاره دارد؛ بی‌تغییری به عدم تغییر طریقت در عین تغییرات ظاهری اشاره می‌کند. مفهوم سادگی مبین تغییراتی است که به نظر پیچیده می‌آیند، اما با درک اصول و دلایل آن در مقام کاربرد ساده و آسان‌اند.



نقشه رود زرد

طرح شریان‌های دگرگونی زمین و آسمان

«هشت‌نشانه»^۱ پایه و اساس تغییرات است. نقل است که هشت‌نشانه را فوشی، نیای مردمان چین، ابداع کرد. در افسانه‌ها آمده است فوشی توربافی و شکار آبیان و وحوش را به مردم آموخت. در روزگار کهن، اسبی با سر اژدها در حالی که نقشه رود زرد بر پشتش بود از آب بیرون پرید، پس از آن لاک‌پشت افسانه‌ای با طرح شریان‌های دگرگونی زمین

۱. در برخی نوشته‌ها «پاگوا» نیز برگردان شده که همان برگردان آوایی از شیوه واج‌نگاری قدیمی است.

آغازگاه فلسفهٔ چینی

و آسمان در رود هویدا شد. قدیسان کهن با دیدن نقشهٔ رود و طرح شریان‌ها، بر اساس نظام حاکم بر آن‌ها هشت‌نشانه را ابداع کردند. نقشهٔ رود از اعداد یک تا ده و طرح شریان‌ها از یک تا نه تشکیل می‌شد. این دو طرح توجه مردم را به اعداد زوج و فرد جلب کرد و به دنبال آن متوجه قمری و شمسی بودن اعداد شدند. در کتاب تغییرات، عددها و نشانه‌ها همگی در تعادل‌اند. طرح شریان‌ها پیوند عدد و نشانه‌ها را نشان می‌دهد، این پیوندها با وجود این‌که با روابط منطقی اندیشهٔ غربی سازگار نیست، نشان‌دهندهٔ شیوهٔ دقیق اندیشهٔ فلسفی خاص چین باستان است.

پدیده^۱ پایه و اساس شکل‌دهندهٔ کتاب تغییرات است، معنای تحت‌اللفظی آن در زبان چینی تقلید کردن و نماد است. در پندار مردمان باستان، پدیده‌های بین زمین و آسمان هشت گونه‌اند که به ترتیب شامل آسمان، زمین، رعد، باد، آب، آتش، کوه و باتلاق هستند. این پدیده‌ها

شکل نماد	نام نماد	پدیده	
☰	چین (乾)	آسمان: تین (天)	۱
☷	گون (坤)	زمین: دی (地)	۲
☳	جن (震)	رعد: لی (雷)	۳
☴	شون (巽)	باد: فنگ (风)	۴

۱. در کتاب تغییرات برای اشاره به پدیده‌های طبیعی یا اجتماعی استفاده شده است، در متون معتبر انگلیسی به نماد نیز ترجمه شده است، این نویسه در آثار هان فی به معنی پندار یا تصور نیز استفاده شده است.

☵	کَن (坎)	آب: شویی (水)	۵
☲	لی (离)	آتش: هوأ (火)	۶
☶	گَن (艮)	کوه: شَن (山)	۷
☱	دویی (兑)	باتلاق: زه (泽)	۸

به ترتیب در جدول بالا با نمادهای مقابل آن نمایش داده می‌شوند. برای درک نماد عینی هر کدام از هشت‌نشانه باید کتاب شرح نشانه را که پیشینیان برای تبیین و تفسیر آن نوشته‌اند خواند. شرح نشانه نمادهای هر نشانه به همراه تجلیاتشان را توضیح داده است، مثلاً چَین نشان‌دهنده آسمان، دایره، شاه، یشم و دیگر پدیده‌هاست.

نشانه‌های بنیادین تغییرات خط پیوسته (—) و خط منقطع (--) است. «—» نشانۀ سیر روشن یا سیر سخت است؛ «--» نشانۀ سیر تاریکی یا سیر نرم است. سیر روشن نماد روشنایی (یانگ)، و سیر تاریکی نماد تاریکی (یین) است، همه‌چیز در جهان هستی زائیده تغییرات سازگار با شرایط و تبدیل آن‌ها به یکدیگر است. از آمیزش سه سیر، هشت‌نشانه ترکیب می‌شود، با تکرار دوتایی هشت‌نشانه، «شصت و چهار نشانۀ» پدید می‌آید. متن کتاب تغییرات به دو شکل آیینی و افسانه‌ای است. نقل است متن آیینی آن را فو شی و ون پادشاه دودمان جُو نگاشته‌اند. متن بخش آیینی آن در عین سادگی بسیار کهن و نامتداول است؛ کل کتاب به ۵,۰۰۰ نویسه نمی‌رسد. در این کتاب، شصت و چهار نشانۀ و سیصد و هشتاد و چهار سیر توضیح داده می‌شود. در طول تاریخ شرح‌های فراوانی بر متن آیینی آن نگاشته شده است. کنفوسیوس تفسیر تغییرات را به نگارش درآورد. او در سال‌های آخر عمرش بارها این کتاب را خواند به طوری که نخ ریسه

خیزرانی^۱ کتاب چندین بار پاره شد. او دل‌نگران بود که آیندگان معنای کتاب تغییرات را نفهمند، از این رو کتاب تفسیر تغییرات را در ده دفتر نگاشت که ده بال نیز نامیده می‌شود؛ که به معنای این است این گفتارها برای فهم متن آیینی کتاب به مثابهٔ پر پرواز است.

از غایت نهایی^۲ تا هشت‌نشانه

در تغییرات بیان شده است که «غایت نهایی» آغازگر کون و مکان است. هر چیزی در جهان غایتی نهایی دارد، تمامیت زمین و آسمان و هر آنچه در آن است هم غایت نهایی است. وجود اشیا می‌تواند بی‌وقفه تقسیم شود، وحدت و کثرت وجود یکسان است. در صورتی که غایت نهایی به تصویر کشیده شود «طرح غایت نهایی» به وجود می‌آید، طرحی که دایره‌ای را با یک منحنی روان، به دو بخش تقسیم می‌کند که نیمی از آن سفید (روشنی) و نیمی دیگر سیاه (تاریکی) و شکل آن به مانند ماهی است، به همین جهت ماهی تاریک و روشن نیز خوانده می‌شود.

در تغییرات اعتقاد بر این است که غایت نهایی همان نیروی نخستین (عالم آفرینش) است، نیروی نخستین فرصت زایش را در بر دارد که به دو نیروی تاریکی و روشنی تبدیل می‌شود، نیروی روشنی سبک و پاک بود و عروج کرد و به آسمان تبدیل شد، نیروی تاریکی سنگین و آلوده بود تنزل یافت و به زمین تبدیل شد. می‌توان گفت، هر چیز در عین حال که یک غایت کامل است، می‌تواند تاریکی یا روشنایی را از وجود خود جدا کند. دو حالت تاریکی و روشنی باز به تاریکی و روشنی تقسیم شدند، یا به بیانی دیگر، یک تاریکی و یک روشنی زاییده شد و به چهار نماد روشنی بزرگ، تاریکی کوچک، روشنی کوچک، تاریکی بزرگ تبدیل شدند.

۱. در چین باستان هنگامی که هنوز کاغذ اختراع نشده بود یا گران بود، قطعات تخت نی خیزران را به هم ریسه می‌کردند و روی آن می‌نوشتند.

۲. در متون فارسی به «تای چی» نیز معروف است.

هشت‌نشانه دو گونه دارد: هشت‌نشانه نخستین و هشت‌نشانه پسین. چینش هشت‌نشانه نخستین به صورت چین، دویی، لی، جن، شون، گن، گن، کون است، این اسامی به ترتیب نماینده آسمان، باتلاق، آتش، رعد، باد، آب، کوه و زمین‌اند که هشت پدیده بنیادین میان زمین و آسمان هستند. هشت‌نشانه نخستین ظاهر ذاتی طبیعت زمین و آسمان را نشان می‌دهد، از این رو، مردم باستان باور داشتند هشت‌نشانه



ماهی‌تای‌چی

نخستین برای نشان دادن حالت اولیه جهان بوده است.

اما هشت‌نشانه پسین پس از تعدیل «الگوی جایگاه گرایش هشت‌نشانه» به وجود آمد. گفته می‌شود پادشاه ون از دودمان چو به اسارت پادشاه جُو از دودمان یین درآمد و در شهر زندانی شد، او که در این زمان هشتادساله بود با تمرکز تمام هشت‌نشانه را مطالعه کرد و ترتیب آن را که فوشی تنظیم کرده بود از نو مرتب کرد که به آن «هشت‌نشانه پسین» می‌گویند.

چینیان بیشتر از تغییرات بر پایه هشت‌نشانه پسین بهره می‌برند. آن‌ها این هشت‌نشانه را در اخترشناسی، جغرافیا، موسیقی، هنر رزم، ریاضیات، پزشکی، مزیت جغرافیایی «فنگ‌شویی»، کیمیاگری و چند حوزه دیگر به کار می‌بردند. می‌توان گفت هشت‌نشانه پسین شالوده نظری فرهنگ کاربردی در



هشت‌نشانه نخستین

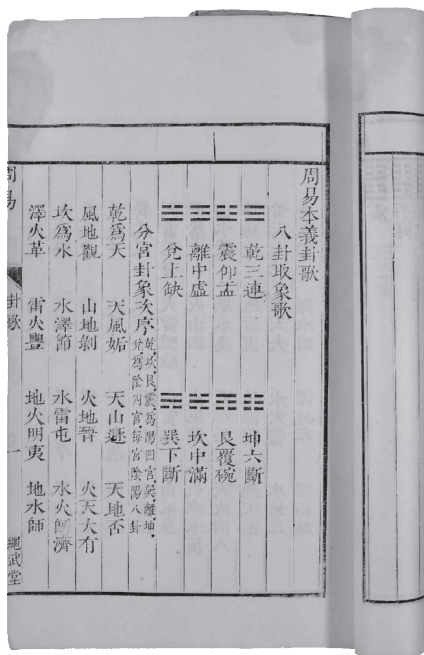


هشت نشانهٔ پسین

چین باستان است. در میان نظریه‌های سستی پزشکی چینی، بخش‌های مرتبط با اندام درونی، رگ‌ها و چاکنای‌ها پیوند نزدیک و تمییزناپذیری با هشت نشانهٔ پسین، ساقه‌های آسمانی و شاخه‌های زمینی دارد. با همین منطق، هنر رزم، موسیقی، فنگ‌شویی و کیمیاگری هم از ترکیب با عناصر مرتبط هشت نشانهٔ پسین، به نظام‌های نظری استوار تبدیل شدند.

از منظر جغرافیایی، تغییرات محصول

حوضهٔ آبریز رود زرد است؛ همان منطقه‌ای که چینیان باستان آن را «پهنهٔ دشت مرکزی» می‌نامند. چینیان در هنگام مشاهدهٔ تغییرات پدیده‌های آسمانی و همچنین بر پایهٔ محیط زندگی و تجربیاتشان نظریهٔ هم‌زایی و هم‌گاهی پنج عنصر را ابداع کردند. هم‌زایی یعنی زایش آتش از چوب، خاک از آتش، فلز از خاک، خاک از آب و هم‌گاهی به معنی کاهش چوب از خاک، خاک از آب، آب از آتش، آتش از فلز، فلز



شعر هشت‌نشانه، در اصل به معنی تغییرات

از چوب است. در میان نظریات پزشکی چینی، چوب در برابر کبد، آتش در برابر قلب، خاک در برابر طحال، فلز در برابر ریه، آب در برابر کلیه قرار می‌گیرد که این همان شالوده اصلی تاریکی و روشنایی و «پنج عنصر» است.

افسون فلسفه تغییرات

تغییرات بر ظرایف اشیا تأکید دارد و رابطه همجنس بودن قلب و شیء را فاش می‌کند. در عین حال کتابی است که از طریقت آسمان برای تأویل امور آدمی استفاده می‌کند. این کتاب کمک می‌کند آدمی با درک طریقت آسمان به ژرفای رموز دگرگونی‌ها در درون امور خویش پی ببرد، زمانه و جایگاهی را که در آن قرار دارد درک کند تا توانایی سازگاری خویش با تغییرات را افزایش دهد.

تغییرات ترکیب روشنایی و تاریکی را طریقت می‌نامد، هر چیزی که در جهان تاریکی داشته باشد، روشنایی نیز دارد. جنبش مشترک تاریکی و روشنایی، «طریقت» را شکل می‌دهد. طرح غایت نهایی نیمی تاریکی و نیمی دیگر روشنایی است. در میان تاریکی، روشنایی وجود دارد و در میان روشنایی، تاریکی. تاریکی و روشنایی مکمل یکدیگرند و به یکدیگر بدل می‌شوند. چینیان باستان با استناد به طرح غایت نهایی همه چیز را دارای دو بخش تاریک و روشن می‌دانستند که در حال جنبش‌اند و ایستا نیستند. روشنایی و تاریکی در دل اشیا همیشه درگیر جنبش و تغییر است. تاریکی و روشنایی پدیده‌هایی نسبی‌اند که نمی‌توان از یکدیگر جدایشان کرد. تغییرات دیالکتیک آمیختگی تاریکی و روشنایی را مطرح می‌کند؛ اندیشه همزیستی تاریکی و روشنایی یکی از اندیشه‌های پایه‌ای فلسفه چینی است.

به باور نویسندگان تغییرات، نیکی در امتداد طریقت تاریکی و روشنایی است و ذات در راستای طریقت شکل می‌گیرد. «ذات» وجودی عینی است که پس

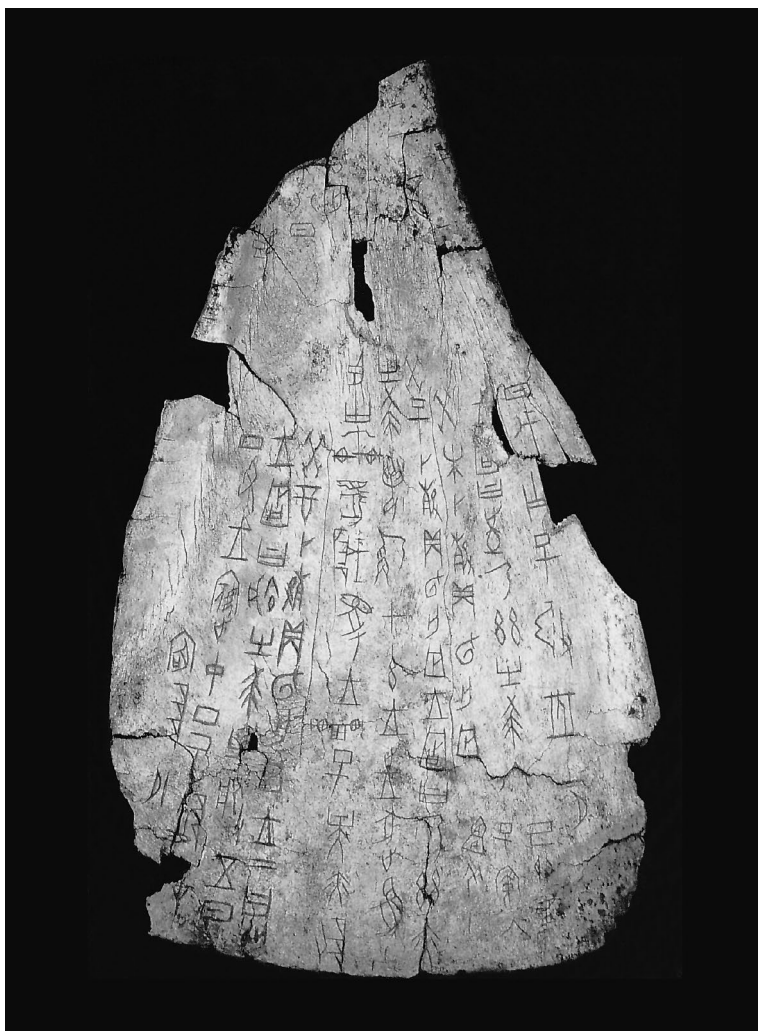
از شکل گرفتن طریقت به اشیا امکان وجود می‌دهد. با کار بست اصول تغییرات می‌توان ذات و عواطف همه چیز و همه امور را به تمامی مطالعه، سرنوشتشان را آشکار و برای هر جهان و هر وجودی توضیحی فلسفی ارائه کرد.

فلاسفه چینی از زمان نگارش تغییرات بدین سو، به هیچ روی شیوه استدلال منطقی غربی‌ها را به کار نیستند. به اعتقاد آنان، استدلال منطقی برای شناخت و درک کلی مخاطب سودمند نیست. فلاسفه چینی خواهان ارتباط مستقیم با شیء هستند، به همین سبب اعتقاد دارند که با درک حسی بی‌واسطه می‌توان کلیت شیء را فهمید.

آدمی در مکان و زمانی می‌زید که پیوسته رو به دگرگونی است. دوران و جایگاه‌ها نیز پیوسته دگرگون می‌شوند. تغییرات آدمیان را برای فهم روزگار و جایگاهی که در آن قرار دارند یاری می‌کند. در نظام این کتاب جایگاه «سیرها و نشانه‌ها» برای بیان روزگار و جایگاه‌های گوناگون است. آدمی پس از درک شرایطی که در آن قرار دارد، درمی‌یابد امور چگونه دگرگون می‌شوند، و می‌کوشد در عین سازگاری با این دگرگونی‌ها، باعث پیشرفت و بهبود اوضاع شود.

فلاسفه چین باستان اغلب از این وجه کارکردی تغییرات استفاده می‌کردند. مثلاً در دوره سونگ جنوبی (۱۱۲۷-۱۲۷۹ م) جوشی در اواخر عمرش گرفتار تخریب‌های سیاسی شد و تصمیم گرفت نامه‌ای به پادشاه بنویسد، شاگرد و دوستش به نام سای یوان‌دینگ با هشت نشانه طالع او را گرفت که نتیجه آن «خبط بزرگ» بود. به عقیده وی این اقدام جوشی سودی نداشت، جوشی هم صرف‌نظر کرد. یانگ مینگ پادشاه دودمان مینگ (۱۳۶۸-۱۶۴۴ م) در مسیر حرکت به سمت اردوگاه مجرمان به غریبه‌ای برخورد، پاسخ طالع‌بین غریبه «خسران ماندگار»^۱ بود، از همین رو دریافت باید محتاطانه از مصیبت پرهیز کند و سرانجام نیز از مصیبت جان سالم به در برد.

۱. نماد آتش در بالا، نماد زمین در پایین، به معنی آسیب ماندگار.



نوشته‌های پیشگویی روی لاک لاک‌پشت در دوره شانگ

تغییرات الهام‌بخش مردم برای تغییر خویشتن و سازگاری با نظام طبیعت بود. از منظر این کتاب، ساحت آرمانی آن است که به منظور رسیدن به



نقاشی خواندن کتاب تغییرات در کنار پنجرهٔ پاییزی که نشان‌دهندهٔ تدبیر مردم قدیم بر کتاب تغییرات است.

شرایط دلخواه، رفتار و گفتار با نظم زمین و آسمان هماهنگ و آدمی دانای «طریقت بزرگ» کون و مکان شود. هنگامی که آدمی معرفت فلسفی کتاب تغییرات را بفهمد، می‌تواند خودسازی‌اش را ارتقا دهد، بدل به «انسان کامل» عارف به کون و مکان و قادر به همراهی با تغییرات زمین و آسمان شود. جنبش «روشنایی و تاریکی» به‌وجودآورندهٔ طریقت است. باور به گفتمان یگانگی طریقتِ آدمی و آسمان^۱ باعث جذابیت فلسفهٔ رمزآلود

۱. به معنی هماهنگی طریقت آسمان و طریقت انسان است.

کتاب تغییرات شده است. کتاب تغییرات به آدمی کمک می‌کند تصویری از پیوند درهم‌تنیده انسان و جهان را درک کند، در پی هماهنگ گشتن قلب آدمی با کون و مکان، به امید وصول به زیستی مسالمت‌آمیز در آن باشد. این اندیشه تأثیر ژرفی بر فلسفه چینی گذاشت و یکی از ویژگی‌های مهم آن شد.

کتاب تغییرات همواره مورد توجه چینیان بوده است. در طول تاریخ، مکاتب علمی فراوانی از آن بهره بردند و در آن تفحص کردند. این کتاب تأثیرات گسترده‌ای بر سیاست، اقتصاد، امور نظامی، فرهنگ و زندگی روزمره مردم چین داشته، تا جایی که همچنان گیرایی دیرپای خود را حفظ کرده است. در عین حال، تأثیر آن به نواحی بسیاری در بیرون از چین نیز رسیده است. پس از رسیدن فلسفه چین به غرب، برخی از غربی‌ها به تغییرات علاقه‌مند شدند. یکی از پژوهشگران معتقد است لایب‌نیتس (۱۶۴۶-۱۷۱۶م)، ریاضیدان و فیزیکدان بزرگ آلمانی، حوالی سال ۱۷۰۰م، با الهام گرفتن از نقاشی نقش تغییرات (یا همان هشت‌نشانه)، که دوستش به وی داده بود، حساب دودویی را که سنگ‌بنای فن محاسبات امروزی است درک کرد.

فلسفه سیاسی در فلسفه چین

— نظریه پردازی فلاسفه دوره ماقبل چین در مورد آدمی و اجتماع

اواخر دوره ماقبل چین (۷۷۰-۴۷۶ ق.م) دودمان جُو تضعیف شده بود و تنها نامی از آن باقی مانده بود. مملکت دودمان‌های مختلف با هم در کشمکش بودند و رسوماتِ جامعه فرو پاشیده بود. در جامعه آشفته آن دوره، توجه جملگی فلاسفه به چگونگی بازگشت سامان به جامعه بود. مکونات فلاسفه، علی‌رغم تفاوتشان، با مسائل واقعی آن زمان از قبیل زندگی، سرنوشت و اجتماع پیوند داشت. می‌توان گفت اندیشه فلسفی فلاسفه دوره ماقبل چین اساساً به شکل فلسفه سیاسی نمایان شده بود.



کنفوسیوس: وظیفه‌شناسی اساس انسانیت

کنفوسیوس (۵۵۱-۴۷۹ ق.م) از نوادگان دودمان‌های بینگ و شانگ بود؛ نام او چیو و نام خانوادگی اش جونگ‌نی و اهل مملکت لو (چوفو در استان شن دونگ) بود. پدرش شو لیانگ‌گه در زمان تولد او مردی سالخورده بود و مادرش یان‌جه فقط ده سال و اندی داشت. با وجود این که کنفوسیوس در خانواده‌ای نجیب‌زاده متولد شد، با مرگ پدرش دارایی و ثروت خانوادگی آن‌ها از میان رفت و مادرش زندگی سختی را گذراند، در حالی که او فقط سه سال داشت. در هفده‌سالگی، مادرش را هم از دست داد و در این دنیا بی‌کس و تنها ماند، چند صبحی به حسابداری مشغول بود، و چند وقتی هم به چوپانی. هم کار می‌کرد و هم درس می‌خواند. کنفوسیوس تسلیم بازی‌های سرنوشت نشد، یادگیری و آموزش را سرلوحه زندگی اش قرار داد و پس از عمری تلاش و کوشش، بنیان‌گذار مکتبی بزرگ شد.

در دوره دینگ‌گونگ
پادشاه ایالت لو (حدود ۵۰۹-
۴۹۵ ق.م) کنفوسیوس به مقام
وزارت کشور، وزارت دادرسی
و دیگر مقامات رسید. پس از
آن وی سفر به دیگر ایالات را
آغاز کرد. به‌ترتیب به ایالات
چی، سونگ، چن، تسای، چو و
دیگر بلاد سفر کرد. او امیدوار
بود بتواند در این فرصت
به‌دست‌آمده ایدئال‌های سیاسی
خود را اجرایی کند، ولی آرای
او هیچ‌گاه مورد توجه قرار
نگرفت. او در اواخر عمرش به
ایالت لو بازگشت و به آموزش



تصویر کنفوسیوس اثر مایون

فلسفه سیاسی در فلسفه چین

پرداخت؛ سه هزار شاگرد داشت که در میانشان ۷۲ تن خردمند بودند. افزون بر آموزش، به کوشش او کتاب‌های شعر، نثر، رسومات، مراسمات و دیگر نوشته‌ها گردآوری شد که بعدها همگی به کتب کلاسیک فرهنگ و درون‌مایه بنیادین اجرای تعالیم سیاسی جامعه سنتی چین تبدیل شدند. کتاب مکالمات مجموعه رفتار، کردار و اندیشه کنفوسیوس است که شاگردان بی‌واسطه یا باواسطه‌اش گردآوری و مکتوب کرده‌اند. مضمون مکالمات اندیشه فلسفی و سیاسی کنفوسیوس است.

کنفوسیوس افزون بر باریک‌بینی در امور، از گردش زمین و آسمان و طبیعت نیز بسیار آگاه بود. می‌گویند روزی کنار رودخانه‌ای ایستاده بود. گفت: «زمان چون رود در گذر است و شب و روز از جنبش نمی‌ایستد. همه چیز در جهان مانند آب روان است.» این گفته به اندیشه هراکلیتوس (۵۴۰-۴۸۰ ق.م)، که همه چیز روان است و هیچ چیز ایستا نیست، شباهت



کنفوسیوس در اواخر عمرش کتاب اشعار و کتاب نامه‌ها و کتاب‌های دیگری را نیز تدوین کرد. او شاگردان زیادی داشت.

دارد. کنفوسیوس همچنین گفته است: مگر آسمان سخن گفته، آسمان سخن نمی گوید ولی چهار فصل اتفاق می افتد و همه چیز رشد می کند. این بیانگر درک او از زیست طبیعت است. او درباره مقوله آسمان به صورت عینی سخن نمی راند و استدلال نمی کند. آسمان در کلام او آسمانی بدون رنگ و بوی دینی است و با شیوه بیان فلسفی غربی متفاوت است. از این رهگذر می توان دریافت که مسائل فلسفه چینی و غربی اساساً مشترک اند ولی دو روش و روند تفکر فلسفی متفاوت را دنبال می کنند. کنفوسیوس به واقعیات زندگی توجه می کرد، هنگام گفتگو با شاگردانش تا حد امکان از مسائل رمزآلود پرهیز می کرد. وی در پاسخ به پرسش شاگردش زی لو درباره مرگ می گوید: «کسی که با نادانی نسبت به چیستی زندگی زیست می کند چگونه می تواند مرگ را بفهمد؟» به بیانی دیگر، مردمانی که حتی امورات زندگی خود را نیز نمی فهمند نباید به مسائل مرتبط با مرگ فکر کنند. او به هیچ وجه کاملاً ارواح و خدایان را نفی نمی کرد، ولی به صورت ویژه دلمشغول تفحص در وجود و عدم آنها نبود و بیش از آن به ماهیت مناسک قربانی توجه می کرد. او همچنین قابل به احترام به ارواح و خدایان و دوری از آنها

شش کتاب (شریعت گرای)

شش کتاب (شریعت گرای) به کتب و اسناد دوره ماقبل چین که کنفوسیوس گردآوری و تدوین کرده اطلاق می شود. این شش کتاب عبارت اند از دیوان سروده ها، کتاب شانگ،^۱ تغییرات، مجموعه یادداشت های شعایر،^۲ کتاب خنیا^۳ و تاریخچه وقایع بهار و پاییز. منظور از کتاب شعایر در دوره دودمان هان، همان مراسمات و رسومات است که پس از دوره سونگ بیشتر به مجموعه یادداشت های شعایر دلالت می کند. این شش کتاب ماندگار سرچشمه اندیشه علمی، اجتماعی و فرهنگ سستی چین است.

۱. نام کتاب از نام دودمان شانگ گرفته شده است، محتوای کتاب شامل وقایع و آثار دودمان شانگ است.
۲. مجموعه یادداشت هایی که کنفوسیوس و شاگردانش در شرح کتاب شعایر و شعایرشناسی نگاشته یا جمع آوری کرده اند.
۳. یکی از شش کتاب کلاسیک شریعت گرای است که در کتاب سوزی دوره سلسله چین از بین رفت.